

## کتاب کوچک



■ نویسنده: فرشته  
نوبخت  
■ ناشر: لوگوس

مشمتمل بر چند جستار کوتاه در باب داستان است که بر محور یک پرسش اولیه، به چگونگی شکل‌گیری داستان‌ها، شیوه معنابخشی آنها به جهان و در نهایت نسبت‌شان با زندگی روزمره می‌پردازد. فرشته نوبخت، متولد آبان ۱۳۵۴ و فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی ایران است که فعالیت حرفه‌ای ادبی خود را از سال ۱۳۸۴، با نوشتن داستانهای کوتاه، مقالات و یادداشت‌های ادبی در حوزه اینترنت آغاز کرد.

## موازنه



■ نویسنده: سعید  
محمدحسینی  
■ ناشر: نگاه

این کتاب شامل جستارهایی در شکل‌شناسی و آسیب‌شناسی شعر نوین فارسی است؛ شکاف‌های بزرگ در بدنه شعر نوین فارسی و ریشه‌یابی اختلالات ساختاری آن، فارغ از انواع مسائل محتوایی، با تمرکز بر شکل‌ها، بافت‌ها و ریخت‌شناسی شاکله‌های مهم شعر نوین فارسی در سوادای دست یافتن یا دست‌کم رفتن به سوی کلیتی هماهنگ و هم‌گرا به نام «نظریه ادبی شعر نوین فارسی».

## جستارهایی در قصه‌شناسی



■ نویسنده: محمد  
پارسانسب  
■ ناشر: چشمه

پیدایش نظریه‌ها و رویکردهای نوین نقد ادبی موجب شده شناخت عمیق‌تری از آثار داستانی به دست آید و راه برای عرضه خوانش‌ها و یافته‌های نوین از متون ادبی هموارتر شود. مجموعه حاضر، شامل بیست جستار کوتاه و بلندی است که طی یکی، دو دهه گذشته، در حیطه ادبیات روایی فارسی و عموماً در نشریات دانشگاهی به چاپ رسیده است. بخش اعظم مقالات مربوط است به قصه‌های سنتی، به ویژه حکایت‌های مثنوی، و البته، تعدادی دیگر، به رمان معاصر فارسی اختصاص دارند.

# فراتر از روزمرگی

## جمعه را گذاشتم برای خودکشی مجموعه پنج جستار درباره دیدن و زیستن است

■ مهسا شمس‌پور  
نویسنده و روزنامه‌نگار

قدمت جستارنویسی را می‌توان در مجله «ارغنون» در دهه هفتاد جست‌وجو کرد؛ جستارهایی که به حوزه اندیشه نقد ادبی و علوم انسانی می‌پرداخته‌اند. اما اگر از آن تاریخ دورتر برویم، قاند، شریعتی و شایگان نیز مقاله‌های خود را به دلیل سروکار داشتن با ادبیات در قالب جستار می‌نوشته‌اند. به جز آن می‌توان به سرمقاله‌های احمد شاملو در مجله کتاب هفته اشاره کرد که گاه به صورت جستارهایی درخشان می‌نوشت.

در اواخر دهه هشتاد نیز تلاش‌هایی برای جستارنویسی دیده شد. مجله «حرفه: هنرمند» به‌طور جدی به جستار به عنوان یک قالب ادبی پرداخت. در یکی، دو سال اخیر هم مجله‌های ادبی گاه‌وبی‌گاه جستارهایی از نویسندگان چاپ کرده‌اند. این تلاش برای معرفی و نوشتن جستار به حوزه نشر هم راه پیدا کرده است. حدوداً از سال ۹۶، نشرهای مختلف به‌طور پراکنده اقدام به چاپ تک‌نگاری و جستارهایی در حوزه‌های مختلف کرده‌اند و به‌طور پراکنده به قالب‌های مختلف ناداستان روایی نزدیک شده‌اند.

جستار، تک‌نگاری یا ناداستان خلاق؛ هر نامی که روی این قالب ادبیات بگذاریم، با سرعت در حال رشد و گسترش است. این قالب که حاصل برخورد نویسنده با واقعیات زندگی است، امروزه مورد توجه مخاطبان و نویسندگان قرار گرفته است. جستار تلاشی نوپا است که امیدوارانه تلاش می‌کند واقعیت دست‌نیافتنی را برای نویسندگان و مخاطبان به ثمر برساند.

«پیمان هوشمندزاده» عکاس و نویسنده ایرانی است که علاوه بر کتاب‌هایش «شاخ»، «هاگردن»، «حذف به قرینه مستی» و... در رشته عکاسی نیز موفق بوده است. پیمان هوشمندزاده در کتاب «جمعه را گذاشتم برای خودکشی» مانند کتاب دیگرش با عنوان «لذتی که حرفش بود» تک‌نگاری‌هایی درباره تجربیاتش نوشته است. هوشمندزاده از دریچه نگاه یک عکاس و نویسنده جهان اطراف خود را روایت کرده

است. تک‌نگاری‌ها طوری نوشته شده‌اند گویی از داخل لنز دوربین به موضوعاتی پیش‌پاافتاده نگاه می‌کنیم و به همین واسطه آنها درشت و واضح و عمیق‌تر در نظر ما جلوه می‌کنند. پنج تک‌نگاری در مورد تجربیاتی که نویسنده در زندگی داشته، ساخته شده است. هوشمندزاده در این پنج تک‌نگاری سعی کرده روزمرگی‌های‌اش را به هنر ربط بدهد و در ارتباط دادن به هنر و پیشه خود در تجربیات زندگی‌اش به جزئیات غیرقابل انکاری اشاره می‌کند. بدیهیاتی که هر انسان ریزبینی، با دو قدم فاصله گرفتن و فراتر از روزمرگی‌های زندگی می‌تواند آنها را لمس کند.

«جمعه را گذاشتم برای خودکشی» مجموعه‌ای است از تجربیات ناب و خالصی که در نظر اول ممکن است کوچک، ساده و پیش‌پاافتاده باشند؛ اموری که هر روز تکرار می‌شوند و ارزش چندانی ندارند. مجموعه‌ای از بدیهیات و حتی تفکراتی که ممکن است روزانه از سرمان بگذرند و کمتر کسی به آنها توجه و فکر کند. در حقیقت هوشمندزاده از میان همین سادگی و روزمرگی‌ها با منطق روایی ساده و روانی، قطعاتی را از مشاهده افکار و تجربیات، کنار هم گرد آورده و مخاطب را از این زیبایی به‌وجودآمده در بهت حیرت و سرخوشی فروبرده است. هوشمندزاده با توانایی بالایی ساده‌ترین اتفاقات زندگی را شکافته، وارد جزئیات آن شده، و با دید وسیع و شناختی عمیق آن را موشکافی کرده است.

«جمعه را گذاشتم برای خودکشی» عنوانی دارد که مخاطب را هنگام خرید جذب می‌کند. انگار از دل این عنوان «جمعه را گذاشتم برای خودکشی» هزاران رازورمز بیرون می‌ریزد و مخاطب را تشویق به خرید و خوانده شدن می‌کند. در حالی که هر چه کتاب خوانده می‌شود و به میانه و انتها نزدیک شده و پایان می‌یابد، خبری از آن جمعه و از آن قصد و نیت خودکشی نیست. عنوان جذابی که در شکل‌گیری کتاب کمتر نقشی دارد اما برای مخاطب جذاب و پرکشش است.

«شخصیت» اولین جستار کتاب، منطقی ساده و روایی دارد، در واقع بخشی از مشاهدات نویسنده است که هر انسان دیگری می‌تواند داشته باشد؛ مشاهداتی از خاطراتی که با محیط اطراف نویسنده

درهم آمیخته است. خوب دیدن، خوب شنیدن، شناخت و زیر ذره‌بین بردن ساده‌ترین وقایع زندگی و حرف زدن درباره آنها، جسارتی می‌خواهد که پیمان هوشمندزاده در هر یک از این تک‌نگاری‌ها به بهترین نحو از پس آن برآمده است. تک‌نگاری اول مخاطب را به چالش جدیدی می‌کشد. هر یک از ما چند من هستیم؟ من‌های متعددی که در مواجهه با شرایط گوناگون یا قرار گرفتن کنار آدم‌ها با موقعیت‌های مختلفی نمود و بروز می‌کنند. هر کدام می‌توانیم آدم خیلی خاصی باشیم یا به راحتی تبدیل به یک آدم معمولی شویم. اگر کسی معمولی بودن را انتخاب کند، برای این است که نتوانسته بهترین باشد؟ یا فقط به این دلیل است که ترسیده و ریسک نکرده؟ «شخصیت» پر از حرف است. جمله‌های اساسی که می‌توان ساعت‌ها به آنها فکر کرد. پیمان هوشمندزاده در «شخصیت»، آنچه هستیم و آنچه باید باشیم را به هم پیوند زده است.

نویسنده، در قسمتی از «شخصیت»، به نبودن افراد می‌پردازد و از آنجایی سخن به میان می‌آورد که نبودن، شخصیت می‌شود: «نبودن یک تکنیک به حساب می‌آید؛ بعضی‌ها به دلیل زیاد بودن‌شان مطرح می‌شوند و بعضی‌ها به دلیل نبودن‌شان.»

«زخم زیباست. زخم یادگاری است از گذشته. فقط نشانی نیست که بر دست یا صورت ما نشسته باشد. با خود خاطراتی دارد. ادامه‌دار است. زخم‌ها دو وجه دارند، و هر چه می‌گذرد و هر چه زمان می‌خورد، وجه مثبت‌شان بر وجه منفی غالب و غالب‌تر می‌شود. اما وقتی از طنز حرف می‌زنیم، زخم‌ها جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کنند. زخم‌ها بخشی از طنزند. بخش جدانشدنی آن. بخشی که در ابتدا دیده نمی‌شوند. هستند، اما بعد شکل می‌گیرند. اما بعد وقتی است که ما نمی‌دانیم باید بخندیم یا ناراحت شویم. وقتی که از خنده خودمان خجالت می‌کشیم.»

تک‌نگاری یا جستار دوم، «لب خنج»، جسارت کندوکاو در پرداختن به طنز را در مخاطب زنده کرده است. طنز دقیقاً در کجای زندگی ما قرار گرفته است؟ هر چه به عنوان طنز ارائه می‌کنیم، حتماً باید وجهی غیرمنطقی داشته باشد،